

سیل ویرانگر خلاقیت

شهرام اقبال راده، نویسنده و مترجم به ایستا گفته است: نویسندگانی دارم که چند است خطی خاص را تکرار می‌کنند. در واقع، برخی آثار آن‌ها به دلیل بعضی از نواوری‌ها مورد توجه قرار گرفت. این استقبال آن‌ها را اشتباه انداخت و با توهم ایگه مفهوم ادبیات و زیبایی‌شناسی قضاوت نکرده است و گفته که:
«یونجه به گلبت می‌ساخته، داستان‌هایی می‌نویسند که رگه‌هایی از خلاقیت در آن‌ها هست اما آن‌چنان تخیل خود را رها می‌کنند که به سیل ویرانگر خلاقیت بدل می‌شود.»

فهرست منابع ‏‏

(رویداد)

هزارداستان

هشتاد و پنج **۸۵** **۵۰** و **۳۰** **۳۰۰** **۳۰۰۰** **۳۰۰۰۰**



کوروش خراسانی

(**س آقاز**)

علمی تخیلی؛

گونه کم‌اقبال در ایران

ادبیات علمی تخیلی نیز مانند دیگر انواع ادبیات ژانر (داستان جنایی، داستان وحشت و…) در ایران با اقبال چندانی روبه‌رو نبوده است. نمونه‌های خارجی این گونه مشهور از ادبیات داستانی که در کشور ما با عنوان‌های دیگری چون افسانه علمی یا در این آثار «داستان دانش‌نیان» (یا با تلفظ فارسی تر: داستان‌های پیش از آن یاد شده‌است، نخست در دهه‌های پیش از آن یاد شده‌است، نخست در دیگران به چاپ رسیدند که شاید بیش از همه مورد استقبال کودکان و جوانان قرار گرفتند. داستان علمی تخیلی انواع مختلفی دارد که

درون‌بیهایی در موضوع‌های فضای سایبر، فرهنگ‌های فرازمینی، جنگ‌های فرازمینی، جهان‌های موازی، سفر در زمان، ازمایش‌های و پادمان‌شهر، مهندسی ژنتیک، هوش مصنوعی و جز این‌ها را در بر می‌گیرد. این موضوع‌ها در سال‌های اخیر با ترجمه‌هایی از آثار مطرح خارجی به مخاطبان ایرانی عرضه شده است. البته نویسندگان ما کمتر

سراع نوشتن چنین آثاری رفته‌اند اما جالب آن است که در زمان پهلوی اول، یعنی پیش از انتشار آثار خارجی این گونه ادبی در کشور، عبدالحسین صنعتی‌زاده گرمائی نخستین رمان دانش‌نیا در ایران نوشت. او که جزو پیش‌گامان رمان تاریخی فارسی هم بود، در سال ۱۳۱۳ «رستم در قرن بیست‌ودوم» را انتشار داد. هم‌چنین یک سال قبل از آن، هدایت داستان کوتاه «بب گ ل ل» را در مجموعه‌داستان «سایه‌روشن» به چاپ رسانده بود که جهانی در آینده را در خیال گفت‌گویی دوقدره به تصویر می‌کشید که در آن بشر به هر آنچه خواسته رسیده است.

امروزه در مرور تاریخچه داستان نویسی ایران، به‌دقت به این قبیل آثار بازمی‌خوریم. در واقع، گیگاه نویسنده‌ای طبع و تخیل دانش خود را در این عرصه آزرده و بعد بی زندگی خود با دست کم نوشتن در گونه‌های دیگر داستانی رفته است. برای نمونه، پرویز قاضی سعید، نویسنده آثار عامه‌پسند سیاسی و عشقی در سال‌های پیش از انقلاب، در «لاوسون در جزیره وحشت» ماجرای فرود موجوداتی فضایی را در یک جزیره در کمره زمین روایت می‌کند. می‌تواند اگر تهری در دهه شصتم، زمانی به نام «گور تا»، انتشار می‌دهد. اس‌اسیس از انقلاب، نویسنده‌ای است سر برآورده که توجه ویژه‌ای به ادبیات علمی تخیلی نشان دادند. محمد قصاب، مترجم این داستان‌ها که دل‌تلفظ زرفی به این ادبیات نشان داده است، با تکرار رمان «چشمی خاطرات روز بعد» داستانی فارسی به ادبیات دانش‌نیا افزود.

ایرج قاضی بخشی دیگر نویسنده‌ای است که عمدتاً توان و خلاقیت ادبی خود را صرف نوشتن داستان‌های کوتاه و بلند علمی تخیلی کرده است. در صفحه آخر این شماره از هزارداستان، دو کار کوتاه را ورا می‌توانید ببینید.



فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا

فضاپیمای ناسا



فرشاد چارلز راده

نویسنده و مترجم

www.farshadradeh.com

نگاهی به شکل‌گیری وسیرتاریخی «ادبیات علمی تخیلی»

ادبیات از گذشته تا به امروز محملی بوده برای رؤیاپردازی‌ها و آرزوهای بلند پروزاه انه انسان که بعداً در گذر زمان رنگ و بوی واقعیت به خود گرفتند. این رؤیاها با پیشرفت‌هایی که بشر در سده نوزدهم در ادامه انقلاب صنعتی و در زمینه‌های فنی و ابزار آلات کارخانه‌ها و حمل و نقل به دست آورد، به اوج خود رسیدند. ابعاد زندگی انسان مدرن سراسر زیر سایه پیشرفت‌های علمی قرار گرفته بود و ادبیات و هنر نیز از این تأثیرها مستثنا نبود. نویسندگان و روشنفکران با این پرسش روبه‌رو شدند که حال چه اتفاقی قرار است بیفتد. آیا روح انسان زیر چرخ صنعت و دانش له خواهد شد و از آنها جسمی توخالی باقی خواهد ماند یا این چرخ‌ها به سود ما خواهند چرخید و انسان را به بالاترین درجه‌های شناخت خواهند رساند؟ داستان‌گویان شروع به نگارش داستان‌هایی با درونمایه علمی کردند که قرار بود آینده‌سایه با سفیدرا برای مخاطبانشان ترسیم کنند. در سده نوزدهم نویسنده‌ای به نام ژول ورن در فرانسه سر بر آورد که پیش‌گویانه از پرواز با نوعی فضاپیما تا سفر به زوفا دریا با شکلی از زیر دریایی را در رمان‌های خود آورد. کمی آن‌سوتر، هربرت جرج ولز انگلیسی بر خلاف رفیقیش، ورن، با نگاهی بدبینانه به عاقبت بشر، درباره سفر با ماشین زمان، در جایی دیگر درباره امکان نامرئی شدن انسان و باز راجع به درگیری با مریخی‌ها نوشت. در سده بیستم، نویسندگانی چون کارل چایک از یاد آمانشهرهایی سخن می‌گفتند که انسان را تهی از مغزیت خواهند کرد و گروهی دیگر مثل آیزاک آسیموف آینده روشن تری برای پیشرفت علم می دیدند، هرچند گروه اول معمولاً پیش از گروه دوم توجه نویسندگان ادبیات قرار می گرفتند.

● ژانری به قدمت تاریخ!

آیزاک آسیموف (۱۹۲۲–۱۹۹۲) در توصیف ادبیات علمی تخیلی می‌گوید: «داستان علمی تخیلی را می‌توان شناخت‌ای از ادبیات دانست که به واکنش انسان در برابر تغییرات علم و فناوری‌ها می‌پردازد.» برخی از این ژانر به عنوان شاخه‌ای جدید در ادبیات مدرنی می‌کنند که عمر چندانی ندارد، اما این اور دقیق نیست؛ ژانر علمی تخیلی، که آن را باید از شاخه‌های ادبیات عامه‌نرین به حساب آورد- که در شماره‌های پیش، به یکی از شاخه‌های دیگر آن موسوم به ادبیات وحشت پرداختیم- تاریخچه‌ای طولانی و مفصل می‌تواند داشته باشد. در واقع، با نگاهی آسان‌گیر، می‌توان پیدایش این ژانر را تا نخستین پیشرفت‌های انسان در دنیای کهن و قوه فکری اوقوامی چون سوسومی‌ها و رومی‌ها و یونانیان باستان عقب برد؛ داستان‌ها و متون کهنی مانند افسانه گیلگمش، بیوفلف، نمایشنامه‌های ایسوفان و ایدو و … البته این ادعا با پیش‌فرضی که امروزه از این ژانر در ذهن ما وجود دارد، هم‌خوانی ندارد اما کافی است تخیل فوق‌العاده آن افسانه‌ها را از سوسومی و دفعه‌های شری شملی برخی را از سوسوی دیگر در نظر بگیریم. برای نمونه، دفعه‌جا جوادانی بی‌مرگی در افسانه گیلگمش که می‌توان آن را بدفعه‌ها نشان برای مقابله با مرگ در طول اعصار مقایسه کرد.

● باز هم هزار و یک شب

همچون داستان‌های جنایی که در هشتصنتم شماره هزارداستان به آن پرداختیم، ردپای شهبازر قصه کوکب‌الزمان و هزار و یک شب، در این ژانر نیز به چشم می‌خورد. پیش‌واضح‌ترین داستان این کتاب کهن که ما را کم و بیش با آثار لاتینس و شخصیت اکوامن می‌اندازد، قصه عددا… مهاگیر و عددا… مردماهی‌ها باشد. در این داستان، شخصیت اصلی توانایی تفسیر زب آن‌ها را به دست می‌آورد و به اعمام دریا می‌دود، جایی که جامعه‌ای دریایی با ریزه کاری‌های خاص خود بنا شده است.

کهکشان در دلان داستان

نگاهی به شکل‌گیری وسیرتاریخی «ادبیات علمی تخیلی»

یادآرمان‌شهری را نمایان می‌ساخت. این کتاب سیب توجه چشمگیر مردم به مقوله زمان شد و حتی دستگاه‌ها یا ماشین زمان که ولز پیش‌تر در یکی از داستان‌های کوتاه‌های هم به آن اشاره کرده بود، مورد استفاده بسیاری از نویسندگان و فیلم‌سازان در دهه‌های مختلف پس از انتشار کتاب قرار گرفت.

● عصر طلایی

در نیمه دوم سده نوزدهم و آغاز سده بیستم، ادبیات علمی تخیلی مقبولیت بیشتری نسبت به قبل پیدا کرد و در سده نوزدهم نیز شاهد حضور دانشمندان دیوانه مانند شخصیت فرانکشتاین در شاهکار مرئی شلی انگلیسی هستیم که شاید یکی از مشهورترین نمونه‌های این تپ در ادبیات علمی تخیلی باشد. او دانشمندی است که با سر هم کردن تکه‌های کالبد مرده‌ها و بهره‌گیری از نیروی الکتریکی، موجودی ترسناک پدید می‌آورد. شماری از آثار داستانی این قرن به سبب حال و هوای گوتیک، فصل مشترک دو شاخه ادبیات علمی تخیلی و ادبیات وحشت هستند. در هر صورت، در اینجا بحث تفاوت روبزرگ هم در میان است: نویسندگانی همچون مرئی شلی با نگارش داستان گوتیک وهراس‌ور این بار را به مخاطبانشان القا می‌کردند که از دانش عموما برای اعمال یا نیت شیطانی یا مابریایی استفاده می‌شود، نویسندگان مانند ژول ورن به جنبه‌های نیک و سودآورش اشاره می‌کردند. نباید فراموش کرد که در آن عصر در غیاب رسانه‌های جهانی، کتاب تأثیر بسزایی در نوع دیدگاه مردم درباره هر مسئله‌ای داشته و دست‌ان‌فکران برای جریان‌سازی ضدیک اندیشه‌ها دفاع از آن بازنر بوده‌است.

● پدران داستان علمی تخیلی

از اچ. جی. ولز در کنار ژول ورن و هوگو گرنسبک (۱۹۲۷–۱۸۴۲)، ناشر نخستین مجله‌ها با محتوای ادبیاتی‌های علمی تخیلی، به عنوان پدران امروز ژانر علمی تخیلی شناخته می‌شود یاد می‌کنند. ولز ورن یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اختلافات دیدگاهی در تاریخ ادبیات را داشتند و شاید اگر این اختلافات وجود نداشت، هیچ‌وقت شاهد پویایی و پیشرفت ژانر علمی تخیلی نبودیم. ژول ورن نگاهی ماتمبک و خوش‌بینانه به علم داشت. تمرکز او در داستان‌هایش روی مسئله علم بود که باعث ایجاد داستان علمی تخیلی سخت شد. در چنین داستان‌هایی، نویسنده به برجسته‌سازی مسائل علمی و فناوری‌زی روی می‌آورد و عمده پیفیدگی‌های داستان در توصیفات بدیع و تپورانه او از فناوری خلاصه انسان می‌انیدند، یا حتی برتر از او می‌اندیشد، اما همیشه با او نمی‌اندیشد… این ویراستا تأثیرگذار به گونه‌ای دوباره توجه نویسندگان را به پیفیدگی‌های فردی و نسوری در خلق موجودات و … متمکز و کلاسی و اساساً می‌توان گفت که نقش بسزایی در شکل‌گیری داستان‌های علمی تخیلی سخت داشت.

● از علم تا ادبیات علمی تخیلی در عصر حاضر

● جهان‌های بی‌پایان

● جهان‌های بی‌پایان

● جهان‌های بی‌پایان

● جهان‌های بی‌پایان

● جهان‌های بی‌پایان

● جهان‌های بی‌پایان

● جهان‌های بی‌پایان

● جهان‌های بی‌پایان

● جهان‌های بی‌پایان

● جهان‌های بی‌پایان

● جهان‌های بی‌پایان

● جهان‌های بی‌پایان

● جهان‌های بی‌پایان

● جهان‌های بی‌پایان

● جهان‌های بی‌پایان

من نویسنده علمی تخیلی نیستم

دریابه مجموعه داستان «ماشین کلیمانجارو» نوشته ری بردبری

● معرفی مجموعه داستان «ماشین کلیمانجارو» دو هدف را دنبال می‌کند: یکی ارائه گزیده‌ای از داستان‌های کوتاه نویسنده برجسته‌ای به نام ری بردبری (۲۰۱۲–۱۹۲۰) و دیگر، آوردن مدافقی از نثر خوب فارسی در ترجمه آثار ادبی. ری بردبری، برادبری، شاعر و نویسنده آمریکایی آثار فانتزی ژانر وحشت و داستان‌های علمی تخیلی که بیش از هر چیز با نام «فانتهای ۲۴۱» شناخته می‌شود، صدها داستان نوشته و دهه‌ها کتاب به چاپ رسانده است. او البته خود را نویسنده علمی تخیلی به شمار نمی‌آورد، شاید از این رو که صفت «علمی» را چندان جدی و مرتبط با واقعیت می‌داند؛ در حالی‌که از دید خودش آثار او خیال‌آزما هستند، حتی وقتی درباره ماجراهایی می‌نویسد که در فضا رخ می‌دهند. برادبری «فانتهای ۲۴۱» را تنها کتاب خود در ژانر دانش‌نیا تلقی می‌کند، زمانی درباره روزگاری در آینده که اندیشیدن و مطالعه ممنوع می‌شود و کتاب‌ها می‌سوزانند، بر پایه این ماجرای پادمان‌شهری کتاب‌نویس، فرانسوا ژولوه فیلمی مشهور ساخته است.

● مجموعه داستان «ماشین کلیمانجارو» نیز گزیده‌ای است از کتبه داستان‌های کوتاه ری بردبری که مترجم کتاب‌های علمی تخیلی در آن‌ها دیده می‌شود. مرکز آن‌ها از آثار کتاب‌هایی چون یکصد داستان داستان‌ویون و داستان‌های علمی تخیلی است که در آن‌ها ماجراهایی کهنی مانند افسانه گیلگمش، بیوفلف، نمایشنامه‌ها، استرفوفه و ایدو و… البته این ادعا امروزه از این ژانر در ذهن ما وجود دارد، هم‌خوانی ندارد

● مجموعه داستان «ماشین کلیمانجارو» نیز گزیده‌ای است از کتبه داستان‌های کوتاه ری بردبری که مترجم کتاب‌های علمی تخیلی در آن‌ها دیده می‌شود. مرکز آن‌ها از آثار کتاب‌هایی چون یکصد داستان داستان‌ویون و داستان‌های علمی تخیلی است که در آن‌ها ماجراهایی کهنی مانند افسانه گیلگمش، بیوفلف، نمایشنامه‌ها، استرفوفه و ایدو و… البته این ادعا امروزه از این ژانر در ذهن ما وجود دارد، هم‌خوانی ندارد

● مجموعه داستان «ماشین کلیمانجارو» نیز گزیده‌ای است از کتبه داستان‌های کوتاه ری بردبری که مترجم کتاب‌های علمی تخیلی در آن‌ها دیده می‌شود. مرکز آن‌ها از آثار کتاب‌هایی چون یکصد داستان داستان‌ویون و داستان‌های علمی تخیلی است که در آن‌ها ماجراهایی کهنی مانند افسانه گیلگمش، بیوفلف، نمایشنامه‌ها، استرفوفه و ایدو و… البته این ادعا امروزه از این ژانر در ذهن ما وجود دارد، هم‌خوانی ندارد

● مجموعه داستان «ماشین کلیمانجارو» نیز گزیده‌ای است از کتبه داستان‌های کوتاه ری بردبری که مترجم کتاب‌های علمی تخیلی در آن‌ها دیده می‌شود. مرکز آن‌ها از آثار کتاب‌هایی چون یکصد داستان داستان‌ویون و داستان‌های علمی تخیلی است که در آن‌ها ماجراهایی کهنی مانند افسانه گیلگمش، بیوفلف، نمایشنامه‌ها، استرفوفه و ایدو و… البته این ادعا امروزه از این ژانر در ذهن ما وجود دارد، هم‌خوانی ندارد

● مجموعه داستان «ماشین کلیمانجارو» نیز گزیده‌ای است از کتبه داستان‌های کوتاه ری بردبری که مترجم کتاب‌های علمی تخیلی در آن‌ها دیده می‌شود. مرکز آن‌ها از آثار کتاب‌هایی چون یکصد داستان داستان‌ویون و داستان‌های علمی تخیلی است که در آن‌ها ماجراهایی کهنی مانند افسانه گیلگمش، بیوفلف، نمایشنامه‌ها، استرفوفه و ایدو و… البته این ادعا امروزه از این ژانر در ذهن ما وجود دارد، هم‌خوانی ندارد

● مجموعه داستان «ماشین کلیمانجارو» نیز گزیده‌ای است از کتبه داستان‌های کوتاه ری بردبری که مترجم کتاب‌های علمی تخیلی در آن‌ها دیده می‌شود. مرکز آن‌ها از آثار کتاب‌هایی چون یکصد داستان داستان‌ویون و داستان‌های علمی تخیلی است که در آن‌ها ماجراهایی کهنی مانند افسانه گیلگمش، بیوفلف، نمایشنامه‌ها، استرفوفه و ایدو و… البته این ادعا امروزه از این ژانر در ذهن ما وجود دارد، هم‌خوانی ندارد

● مجموعه داستان «ماشین کلیمانجارو» نیز گزیده‌ای است از کتبه داستان‌های کوتاه ری بردبری که مترجم کتاب‌های علمی تخیلی در آن‌ها دیده می‌شود. مرکز آن‌ها از آثار کتاب‌هایی چون یکصد داستان داستان‌ویون و داستان‌های علمی تخیلی است که در آن‌ها ماجراهایی کهنی مانند افسانه گیلگمش، بیوفلف، نمایشنامه‌ها، استرفوفه و ایدو و… البته این ادعا امروزه از این ژانر در ذهن ما وجود دارد، هم‌خوانی ندارد

● مجموعه داستان «ماشین کلیمانجارو» نیز گزیده‌ای است از کتبه داستان‌های کوتاه ری بردبری که مترجم کتاب‌های علمی تخیلی در آن‌ها دیده می‌شود. مرکز آن‌ها از آثار کتاب‌هایی چون یکصد داستان داستان‌ویون و داستان‌های علمی تخیلی است که در آن‌ها ماجراهایی کهنی مانند افسانه گیلگمش، بیوفلف، نمایشنامه‌ها، استرفوفه و ایدو و… البته این ادعا امروزه از این ژانر در ذهن ما وجود دارد، هم‌خوانی ندارد

● مجموعه داستان «ماشین کلیمانجارو» نیز گزیده‌ای است از کتبه داستان‌های کوتاه ری بردبری که مترجم کتاب‌های علمی تخیلی در آن‌ها دیده می‌شود. مرکز آن‌ها از آثار کتاب‌هایی چون یکصد داستان داستان‌ویون و داستان‌های علمی تخیلی است که در آن‌ها ماجراهایی کهنی مانند افسانه گیلگمش، بیوفلف، نمایشنامه‌ها، استرفوفه و ایدو و… البته این ادعا امروزه از این ژانر در ذهن ما وجود دارد، هم‌خوانی ندارد

● مجموعه داستان «ماشین کلیمانجارو» نیز گزیده‌ای است از کتبه داستان‌های کوتاه ری بردبری که مترجم کتاب‌های علمی تخیلی در آن‌ها دیده می‌شود. مرکز آن‌ها از آثار کتاب‌هایی چون یکصد داستان داستان‌ویون و داستان‌های علمی تخیلی است که در آن‌ها ماجراهایی کهنی مانند افسانه گیلگمش، بیوفلف، نمایشنامه‌ها، استرفوفه و ایدو و… البته این ادعا امروزه از این ژانر در ذهن ما وجود دارد، هم‌خوانی ندارد

● مجموعه داستان «ماشین کلیمانجارو» نیز گزیده‌ای است از کتبه داستان‌های کوتاه ری بردبری که مترجم کتاب‌های علمی تخیلی در آن‌ها دیده می‌شود. مرکز آن‌ها از آثار کتاب‌هایی چون یکصد داستان داستان‌ویون و داستان‌های علمی تخیلی است که در آن‌ها ماجراهایی کهنی مانند افسانه گیلگمش، بیوفلف، نمایشنامه‌ها، استرفوفه و ایدو و… البته این ادعا امروزه از این ژانر در ذهن ما وجود دارد، هم‌خوانی ندارد

● مجموعه داستان «ماشین کلیمانجارو» نیز گزیده‌ای است از کتبه داستان‌های کوتاه ری بردبری که مترجم کتاب‌های علمی تخیلی در آن‌ها دیده می‌شود. مرکز آن‌ها از آثار کتاب‌هایی چون یکصد داستان داستان‌ویون و داستان‌های علمی تخیلی است که در آن‌ها ماجراهایی کهنی مانند افسانه گیلگمش، بیوفلف، نمایشنامه‌ها، استرفوفه و ایدو و… البته این ادعا امروزه از این ژانر در ذهن ما وجود دارد، هم‌خوانی ندارد

● مجموعه داستان «ماشین کلیمانجارو» نیز گزیده‌ای است از کتبه داستان‌های کوتاه ری بردبری که مترجم کتاب‌های علمی تخیلی در آن‌ها دیده می‌شود. مرکز آن‌ها از آثار کتاب‌هایی چون یکصد داستان داستان‌ویون و داستان‌های علمی تخیلی است که در آن‌ها ماجراهایی کهنی مانند افسانه گیلگمش، بیوفلف، نمایشنامه‌ها، استرفوفه و ایدو و… البته این ادعا امروزه از این ژانر در ذهن ما وجود دارد، هم‌خوانی ندارد

● مجموعه داستان «ماشین کلیمانجارو» نیز گزیده‌ای است از کتبه داستان‌های کوتاه ری بردبری که مترجم کتاب‌های علمی تخیلی در آن‌ها دیده می‌شود. مرکز آن‌ها از آثار کتاب‌هایی چون یکصد داستان داستان‌ویون و داستان‌های علمی تخیلی است که در آن‌ها ماجراهایی کهنی مانند افسانه گیلگمش، بیوفلف، نمایشنامه‌ها، استرفوفه و ایدو و… البته این ادعا امروزه از این ژانر در ذهن ما وجود دارد، هم‌خوانی ندارد

● مجموعه داستان «ماشین کلیمانجارو» نیز گزیده‌ای است از کتبه داستان‌های کوتاه ری بردبری که مترجم کتاب‌های علمی تخیلی در آن‌ها دیده می‌شود. مرکز آن‌ها از آثار کتاب‌هایی چون یکصد داستان داستان‌ویون و داستان‌های علمی تخیلی است که در آن‌ها ماجراهایی کهنی مانند افسانه گیلگمش، بیوفلف، نمایشنامه‌ها، استرفوفه و ایدو و… البته این ادعا امروزه از این ژانر در ذهن ما وجود دارد، هم‌خوانی ندارد

● دوران کودکی ونوجوانی‌ات را با خواندن مجله‌های رز گذرانی، آثار ژانر علمی تخیلی به نسبت کم‌یاب بود و در دهه ۱۹۳۰ شاید کمی نامتعارف به نظر می‌آمد. سال ۱۹۳۸ روزپال «لجنون بین‌سفرهای بی‌پایانه» نوشته بودی: «به عظمت ستارگان و چرخش‌سایره‌ها که می‌نگری، به جهان‌هایی بی‌نتها از اسرار و اختلافات، ای به این باور می‌رسی که سرنوشت بشر بدون شک در میان فرکانس‌رقم خوده‌است و روزی فرزندان ما پایی خواهد شد میان قضا‌های ایران، این تصور خطی‌ماتمبک است.

● فکر می‌کنم آن زمان هنوز به نثر پرتکلف اعتیاد داشتیم. هنوز هم نتوانسته‌ام تمام و کمال بر آن غلبه کنم. آخرین جمله‌های من در این مقاله در واقع سخنن پاپائی است که برای زندگی نامه فضاپوران آپولو ۱۱ در کتاب «اولین‌ها روی ماه نوشتم، اینکه نتیمان گذشته با باور که این ستارگان هستند که سرنوشت بشر را تعیین می‌کنند، مسئله را برعکس فهمیده بودند. زمانی فرآ می‌رسد که بشر سرنوشت ستارگان را به دست بگیرد.

● در جنگ جهانی دوم، بیش از قبل با فناوری‌های جدید بودی، زمان مشخص در توسعه رادارها، آن زمان چیزی به یاد داری؟

● صدای تماسی که از آمریکا بود، از خواب پریدم. آن زمان روی ماه کوشه داشتیم. هنوز با کابل‌های تلفن در آتلانتیک به صورت سراسری کنترل رادار خوشنوی که دانش غربی گسترش می‌داد، زندگی در آتلانتیس، ساسلان یا همان سریلانکا امروزی را برگزیده بودی. با این حال، ژنرالی که کلارک باه دانش پیچیده‌ای گوش دادم، تا نگاهن صدای مصصانی مدبرم از تانروی (شهری در شهرستان سامرست انگلستان) از آن شنیدم که می‌گفت: قطع کن!

● در منظرقی از سرنوشتی، نوشته بودی که برای اولین‌بار سال ۱۹۳۳ بود که صبح زود یک تماس تلفنی از آمریکا کردی. دوستی نامشایی تلفنی این روزها رایج شده‌اند. آن موقع چه احساسی داشتی؟

● آن لحظه را درست به خاطر ندارم، اما من اپراتور نوبت شب تلفن بودم و صدای تماسی که از آمریکا بود، از خواب پریدم. آن زمان روی ماه کوشه داشتیم. هنوز با کابل‌های تلفن در آتلانتیک به صورت سراسری کنترل رادار خوشنوی که دانش غربی گسترش می‌داد، زندگی در آتلانتیس، ساسلان یا همان سریلانکا امروزی را برگزیده بودی. با این حال، ژنرالی که کلارک باه دانش پیچیده‌ای گوش دادم، تا نگاهن صدای مصصانی مدبرم از تانروی (شهری در شهرستان سامرست انگلستان) از آن شنیدم که می‌گفت: قطع کن!

● در منظرقی از سرنوشتی، نوشته بودی که برای اولین‌بار سال ۱۹۳۳ بود که صبح زود یک تماس تلفنی از آمریکا کردی. دوستی نامشایی تلفنی این روزها رایج شده‌اند. آن موقع چه احساسی داشتی؟

● آن لحظه را درست به خاطر ندارم، اما من اپراتور نوبت شب تلفن بودم و صدای تماسی که از آمریکا بود، از خواب پریدم. آن زمان روی ماه کوشه داشتیم. هنوز با کابل‌های تلفن در آتلانتیک به صورت سراسری کنترل رادار خوشنوی که دانش غربی گسترش می‌داد، زندگی در آتلانتیس، ساسلان یا همان سریلانکا امروزی را برگزیده بودی. با این حال، ژنرالی که کلارک باه دانش پیچیده‌ای گوش دادم، تا نگاهن صدای مصصانی مدبرم از تانروی (شهری در شهرستان سامرست انگلستان) از آن شنیدم که می‌گفت: قطع کن!

● در منظرقی از سرنوشتی، نوشته بودی که برای اولین‌بار سال ۱۹۳۳ بود که صبح زود یک تماس تلفنی از آمریکا کردی. دوستی نامشایی تلفنی این روزها رایج شده‌اند. آن موقع چه احساسی داشتی؟

● آن لحظه را درست به خاطر ندارم، اما من اپراتور نوبت شب تلفن بودم و صدای تماسی که از آمریکا بود، از خواب پریدم. آن زمان روی ماه کوشه داشتیم. هنوز با کابل‌های تلفن در آتلانتیک به صورت سراسری کنترل رادار خوشنوی که دانش غربی گسترش می‌داد، زندگی در آتلانتیس، ساسلان یا همان سریلانکا امروزی را برگزیده بودی. با این حال، ژنرالی که کلارک باه دانش پیچیده‌ای گوش دادم، تا نگاهن صدای مصصانی مدبرم از تانروی (شهری در شهرستان سامرست انگلستان) از آن شنیدم که می‌گفت: قطع کن!

● آن لحظه را درست به خاطر ندارم، اما من اپراتور نوبت شب تلفن بودم و صدای تماسی که از آمریکا بود، از خواب پریدم. آن زمان روی ماه کوشه داشتیم. هنوز با کابل‌های تلفن در آتلانتیک به صورت سراسری کنترل رادار خوشنوی که دانش غربی گسترش می‌داد، زندگی در آتلانتیس، ساسلان یا همان سریلانکا امروزی را برگزیده بودی. با این حال، ژنرالی که کلارک باه دانش پیچیده‌ای گوش دادم، تا نگاهن صدای مصصانی مدبرم از تانروی (شهری در شهرستان سامرست انگلستان) از آن شنیدم که می‌گفت: قطع کن!

● آن لحظه را درست به خاطر ندارم، اما من اپراتور نوبت شب تلفن بودم و صدای تماسی که از آمریکا بود، از خواب پریدم. آن زمان روی ماه کوشه داشتیم. هنوز با کابل‌های تلفن در آتلانتیک به صورت سراسری کنترل رادار خوشنوی که دانش غربی گسترش می‌داد، زندگی در آتلانتیس، ساسلان یا همان سریلانکا امروزی را برگزیده بودی. با این حال، ژنرالی که کلارک باه دانش پیچیده‌ای گوش دادم، تا نگاهن صدای مصصانی مدبرم از تانروی (شهری در شهرستان سامرست انگلستان) از آن شنیدم که می‌گفت: قطع کن!

● آن لحظه را درست به خاطر ندارم، اما من اپراتور نوبت شب تلفن بودم و صدای تماسی که از آمریکا بود، از خواب پریدم. آن زمان روی ماه کوشه داشتیم. هنوز با کابل‌های تلفن در آتلانتیک به صورت سراسری کنترل رادار خوشنوی که دانش غربی گسترش می‌داد، زندگی در آتلانتیس، ساسلان یا همان سریلانکا امروزی را برگزیده بودی. با این حال، ژنرالی که کلارک باه دانش پیچیده‌ای گوش دادم، تا نگاهن صدای مصصانی مدبرم از تانروی (شهری در شهرستان سامرست انگلستان) از آن شنیدم که می‌گفت: قطع کن!

● از زمان غافل‌شود!

● ولز در رمانک درجه یک خود، «ماشین زمان»، یکی از بهترین نمونه‌های داستان علمی تخیلی را به مخاطبان عرضه می‌کند. شخصیت اصلی داستان دانشمندی است که با سر هم کردن تکه‌های کالبد مرده‌ها و بهره‌گیری از نیروی الکتریکی، موجودی ترسناک پدید می‌آورد. شماری از آثار داستانی این قرن به سبب حال و هوای گوتیک، فصل مشترک دو شاخه ادبیات علمی تخیلی و ادبیات وحشت هستند. در هر صورت، در اینجا بحث تفاوت روبزرگ هم در میان است: نویسندگانی همچون مرئی شلی با نگارش داستان گوتیک وهراس‌ور این بار را به مخاطبانشان القا می‌کردند که از دانش عموما برای اعمال یا نیت شیطانی یا مابریایی استفاده می‌شود، نویسندگان مانند ژول ورن به جنبه‌های نیک و سودآورش اشاره می‌کردند. نباید فراموش کرد که در آن عصر در غیاب رسانه‌های جهانی، کتاب تأثیر بسزایی در نوع دیدگاه مردم درباره هر مسئله‌ای داشته و دست‌ان‌فکران برای جریان‌سازی ضدیک اندیشه‌ها دفاع از آن بازنر بوده‌است.

● پدران داستان علمی تخیلی

● جهان‌های بی‌پایان

● جهان‌های بی‌پایان

● جهان‌های بی‌پایان

● جهان‌های بی‌پایان

● جهان‌های بی‌پایان